

پنجشنبه 23 می 2019

مرجان کمال

اسلام و اقتدار سیاسی نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری
قسمت اول

بعد پرپر شدنت ای گل زیبا چه کنم من به داغ تو جوان رفته ز دنیا چه کنم
بهر هر درد دواپی ست مگر داغ مرجان من به دردی که بر او نیست مداوا چه کنم



اسلام و اقتدار سیاسی

اهمیت اسلام در افغانستان در واقع قبل از نو سازی (modernisation) افغانستان در اخیر قرن نوزدهم و مخصوصاً در شروع قرن بیستم و بعد از آن در سکتور های مختلف جوامع دهات و قصبات، که اسلام یگانه منبع اساسی تعلیم و تربیه در نزد اهالی بوده است منشأ می گیرد. به این ترتیب قبل از به وجود آمدن اولین مکاتب غیر مذهبی (sécular) در کابل، تمامی اشخاص تعلیم یافته، دروس مذهبی آموخته اند.

فرهنگ، پرورش و تربیت اسلامی به معنی وسیع آن، یعنی یک مجموعه دستورات و احکام، آداب مذهبی و عملی کردن آن سبب تشکیل یک فرهنگ که توسط همه اقشار و کتگوری‌های مختلف به صورت یکسان قبول و عملی می‌گردد. تا به اخیر قرن نوزدهم میلادی شخصیت‌های مذهبی نظر به این که تعلیمات، تفسیر و توضیح احکام شرعی و ادارات قضایی را به عهده داشتند، از یک تأثیر و نفوذ قابل ملاحظه برخوردار بودند. به همه حال تعدادی کم روحانیون از دولت معاش می‌گرفتند، یک تعداد با گرفتن یک نوع تکس یا مالیه از اهالی محل ای که در آن زندگی می‌کردند امرار حیات می‌نمودند.

مؤلف اولسن استه (OLESEN Asta) از اشکال مختلف وظایف اداری که توسط شخصیت‌های مذهبی قبل از 1880 میلادی که به آن اشتغال و رسیدگی می‌کردند نشان می‌دهد، با اشاره به مشاهدات که توسط الفین ستون (Elphinstone) به عمل آمده است:

«ملا باشی، عضو شورای علما (Majles - e -Ulamâs) شورایی ارتباطی بین قوای اجرائیه و ملاها. شیخ الاسلام: که وظیفه اداری و دادن معاشات ملاها را تحت نظارت قدرت‌های اداری ولایات به عهده دارند. حاکم (Hâkem-s): که وظیفه ثبت و راجستر نمودن زمین‌هایی که به دسترس شخصیت‌های روحانی توسط پادشاه گذاشته شده است و یا هم در اختیار شخصیت‌های دیگر مانند قاضی‌ها که از طرف دربار منصوب شده اند، و تنها در شهرها وظیفه اجرا می‌کنند، تعدادی کم آن‌ها از طرف دولت حق الزحمه داشته و عموماً از طرف اهالی محل احاشه می‌شوند، و بعضاً تنها در صورت حل یک قضیه برای شان مزد داده می‌شد. مفتی (Mufti): عضو بدون معاش کارکنان محاکم. داروغا (Dârughâ): نظارت‌گر اقامه دعوی قضایی. محتسب (Muhtasib): ملا، وظیفه دادن دروس اخلاقیات برای عامه، و مجری صحه گذاشتن به جزا در مطابقت به شرعیت».

در زمان جنگ اول افغان و انگلیس شخصیت‌های مذهبی در صحنه سیاست یک رول قابل ملاحظه داشتند. «تقابل و مخالفت به حضور انگلیس‌ها [در اثنای جنگ اول افغان و انگلیس] س - نوید (S. Nawid) می‌نویسد، از شهر کابل شروع و به سرعت در ولایات مختلف وسعت پیدا می‌کند. و از مساجد به حیث مرکز اطلاعات استفاده می‌گردید».

در شهر غزنی یک شخصیت مذهبی به نام سید قسیم فعالیت مسلحانه را تشکیل می‌دهد که به مرگ دگروال هیرنگ (Colonel Herring) می‌انجامد. بعد از آن میر مسجیدی مردم را به جهاد در منطقه کوهستان در شمال کابل فرا می‌خواند. یک تعداد مساجد، جهت فراخوانی جهاد و خدمات لوژیستیک و فعالیت‌های دسته جمعی و بسیج نمودن جنگجویان رول خیلی‌ها بزرگ را بازی نمودند.

بعد از جنگ اول افغان و انگلیس، روابط دولت - جامعه از این من بعد به شکل یک مثلث بین دربار، سران قبایل و شخصیت‌های مذهبی ساختاری گردید.

در این قسمت اول هدف و منظور این است تا از لا به لای تحلیل و آنالیز، دینامیک میکانیزم‌های سیاسی و اجتماعی که توسط درج نمودن در بین ساحه سیاسی و ساحه مذهبی به بازی گرفته شده است. و این قسمت اول به

یک تشریح مختصر و تعیین کننده تاریخی و اجتماعی، که یک جای و مقام بهتر از نظر کلتوری و سمبولیک به حیث راه و چاره نجات به اسلام واگذار شده است، پرداخته خواهد شد. در قسمت دوم تلاش و کوشش می شود تا از لا به لای انالیز و تحلیل ارائه به جهت تقویت بخشیدن و استحکام دولت توسط امیر عبد الرحمن خان در دو دهه اخیر قرن نوزدهم میلادی، و نحوه و طرز خاص که توسط آن بین دربار، قدرت های محلی در ولایات و شخصیت های مذهبی ارتباطات برقرار نمود، نشان داده می شود. بالاخره در قسمت سوم خواهیم دید، چطور پیدایش یک جا نشینی نو در شروع قرن بیستم، مانند نو سازی سیاسی و اجتماعی که منشأ و مبدأ گرامر نو سیاسی ست، توسط بحران های که سران قبایلی را با دربار در مخالفت و مقابله قرار داده است، ثابت و پایدار باقی مانده و در این بحران ها شخصیت های مذهبی اهمیت بیشتر نظر به سران قبایلی پیدا نموده در صف اول قرار می گیرند.

اسلام مانند یک منبع کلتوری، سمبولیک و سیاسی:

اسلام که به حیث یک مجموعه اعتقاد ها و عقاید مذهبی عملی می گردد، مشخص گردیده است و نشان دهنده یک منبع فرهنگی به دلیل تاریخی و اجتماعی که در عین زمان منشأ سمبولیک و سیاسی دارد که هنگام رویداد ها، مانند جنگ علیه اشغالگران انگلیس، نشان دهنده بسیج شدن مسلحانه مردم علیه اشغالگران انگلیس گردیده و نشان دهنده نقش اسلام به حیث یک منبع پایدار و دایمی، به عمل دسته جمعی جنگجویان با وجود تلفات زیاد انسانی توجیه گردید.

بعد از گرفتن قدرت توسط میرویس نیکه و احمد شاه بابا، اسلام یک منبع مشروعیت سیاسی، و این وظیفه اسلام در زمانی امیر دوست محمد خان خیلی زیاد گردید. به صورت قطعی، اسلام در هنگام جنگ های استعماری یک منبع قدرت و قوت شخصیت های مذهبی بوده است.

ادامه دارد